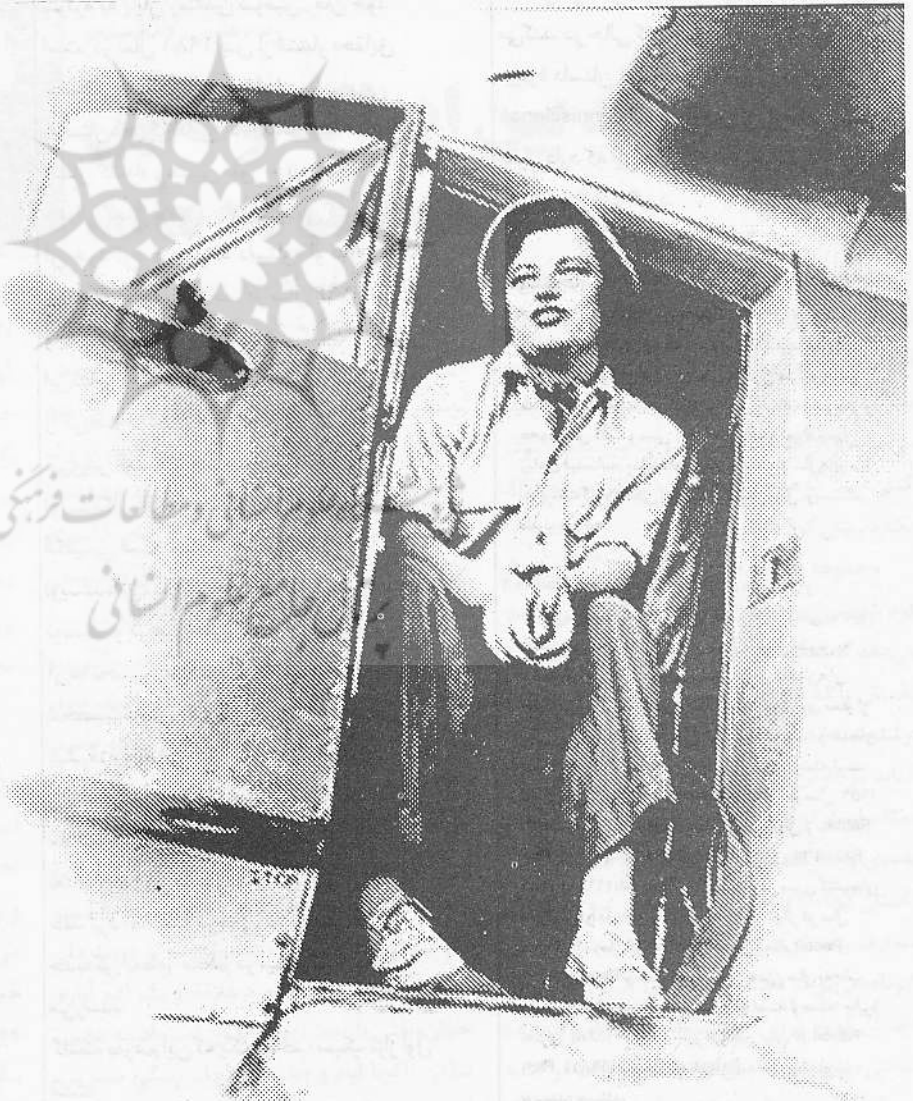


• فریده اشرفی

# اگر عصیان نبود می ویس گانت Mavis Gallant

پرونده



راز آن چه واقعاً یک زوج  
(دو همسر) هستند،  
تقریباً تنها راز  
واقعی بی است  
که هنوز برای ما به صورت  
راز باقی مانده است،  
و وقتی به پایان آن‌ها  
برسیم دیگر  
نیازی به ادبیات نخواهد  
بود - یا به عشق.

The Arrair of Gabrielle Russier

می‌ویس گلنت تنها فرزند یک بازرگان و همسر آمریکایی‌اش در سال ۱۹۲۲ در مونترآل به دنیا آمد. پدرش که نقاش آماتور بود، زمانی که او ده ساله بود از دنیا رفت؛ مادرش خیلی زود دوباره ازدواج کرد. باقی کودکی گلنت آشفته و ناپه‌سامان بود. این خانواده اغلب اوقات از جایی به جای دیگر نقل مکان می‌کرد، او در هشت سال بعدی و پیش از اتمام تحصیلات دبیرستانی در شهر نیویورک در هفده مدرسه متفاوت درس خواند.

وی در هجده سالگی به تنهایی به مونترآل بازگشت. مدت کوتاهی برای «هیأت فیلم کانادایی» و سپس برای نشریه «استاندارد» کار کرد. گفت‌وگوهای او با نام‌آوران بسیار، از جمله ژان پل سارتر در این نشریه به چاپ رسید. او همچنین مطالبی از قبیل نقد فیلم، مقاله و یک ستون هفتگی در این نشریه چاپ می‌کرد. در سال ۱۹۵۰ برای وفا به عهدی که با خود بسته بود، که در تولد سی سالگی‌اش روزنامه‌نگاری را رها کند، از این کار کناره‌گیری کرد. چند روز بعد، اولین داستان خود را به نیویورکر داد. این داستان با یادداشتی دال بر این که این داستان کار بیشتری می‌طلبد به او بازگردانده شد. کار بعدی ارائه شده او «تولد مادلین» *Madeline's Birthday* پذیرفته شد. از آن روز به بعد داستان‌نویسی وی با چاپ آثارش در نیویورکر تا سال‌ها ادامه یافت. در واقع تاکنون به جز او، تنها اس. جی. پرلمن<sup>۱</sup> و جان آیدایک<sup>۲</sup> بیشترین مطالب را در نیویورکر داشته‌اند.

گلنت مدت کوتاهی پس از کناره‌گیری از روزنامه‌نگاری، به اروپا رفت تا زندگی خود را مانند یک داستان‌نویس تمام وقت بگذراند: «معتقد بودم که اگر خود را یک نویسنده بنامم، باید با تکیه بر نوشتن زندگی کنم. اگر نمی‌توانستم با این وضعیت گذران کنم، حتی به قدر یک زندگی ساده، باید تمام کاغذپاره‌ها، آثار و یادداشت‌ها را از بین می‌بردم و طور دیگری زندگی می‌کردم.» پس از مدتی در

پاریس اقامت گزید؛ جایی که هنوز هم زندگی می‌کند.

گلنت ده مجموعه داستان کوتاه، دو رمان و یک نمایشنامه و همین‌طور مقالات و نقدهای بی‌شماری منتشر کرده است. اولین کتاب او، مجموعه داستان «پاریسی دیگر» *The Other Paris* در سال ۱۹۵۶ به چاپ رسید؛ یک رمان به نام «آب سبز، آسمان سبز» *Green Water, Green Sky* در سال ۱۹۵۹ منتشر شد. با روی آوردن به فرم، تقریباً پس از سی سال (رمان دوم وی «زمانی نسبتاً خوب» *A fairly Good Time* در سال ۱۹۷۰ منتشر شد)، او هم اکنون سرگرم به پایان رساندن سومین رمان خود است. در سال ۱۹۸۱ پس از انتشار «حقایق خانوادگی» *Home Truths* با عنوان فرعی «داستان‌های کانادایی» *Canadian Stories*، «نشان کانادا» و همین‌طور «جایزه دولتی جنرال» یعنی بالاترین افتخار ادبی کشور را از آن خود کرد. «مجموعه داستان» او *Collected Stories* در هزار صفحه، در سال ۱۹۹۶ منتشر و با استقبال فراوان روبه‌رو شد. گلنت با نوشتن این کتاب «جایزه هنرهای انجمن مولسن کانادا» را دریافت کرد. می‌ویس گلنت از جمله برجسته‌ترین نویسندگان حاضر داستان کوتاه به زبان انگلیسی است. منتقدان و همکاران نویسنده‌اش، داستان‌های او را به دلیل ایجاز در توصیف و در عین حال، غنای جزئیات و ساخت آن‌ها تحسین می‌کنند. او نه تنها برای شخصیت‌هایش یک محیط *Setting* فردی پیشرفته و تمام و کمال دارد، بلکه دنیای آن‌ها را با جای دادن‌شان در یک بافت ظریف قابل ملاحظه سیاسی و اجتماعی کامل می‌کند. تعداد زیادی از داستان‌های کوتاه او در هفت جلد گرد آمده‌اند، درحالی که داستان‌های جدیدش به‌طور منظم در نیویورکر به چاپ می‌رسند. گلنت، به‌رغم این که یک صاحب سبک تراز اول است،

تئوری‌بی در مورد داستان کوتاه ندارد باوجود این، واضح است که عقاید مؤثر و نافذی دارد. اگر این عقاید یک تئوری را نمی‌سازند، دست‌کم نشانه‌هایی هستند از این که او در یک داستان کوتاه چه چیزی را دوست دارد و چطور نوشتن خود را پیش می‌برد.

شوخ طبعی آبرونیک می‌ویس گلنت کاملاً مشهود است و برای دانشجویان و محققان آثارش که به این گفت‌وگو توجه دارند، آرزو می‌کند که وی را با وضوح و به دور از تعصب درک کنند. وی دربارهٔ ماهیت ویژه و متراکم داستان کوتاه و منشأ آثار خودش صحبت می‌کند. در حالی که تأکید دارد که یک نویسنده دربارهٔ داستان و شخصیت‌های آن دانای کل *Omniscience* است؛ باوجود این، خانم گلنت اصرار دارد که این فرایند خلاق در مقوله امری انتزاعی قرار نمی‌گیرد.

#### پانویس‌ها:

۱. *Joseph Perelman* (۱۹۰۴-۱۹۷۰) از یهودیان مهاجر روس تباری بود که مقیم آمریکا شدند. معروفیت وی از زمان نوشتن فیلمنامه‌های «برادران مارکس» آغاز شد. وی جامعه‌شناس و در عین حال استاد مسلم طنز و هجو نویسی است و بیش از دوازده کتاب و تعداد بسیار زیادی فیلمنامه، نمایشنامه و مقاله است. او سال‌های سال سرپرست گروه فکاهی نیویورکر و سمبل نسل نویسندگان طنزنویس بود.

۲. *John Hoyer Updike* (۱۹۳۲-۱۹۹۳)، رمان‌نویس و داستان‌نویس و شاعر آمریکایی است که از کودکی به دلیل لکنت‌زبانی که دچار آن بود از سوی مادرش تشویق به نوشتن گردید و بعدها برای نوشتن سری داستان‌های «خرگوش» شهرت جهانی یافت. کارنامه کاری وی مملو از رمان، مجموعه شعر، داستان کوتاه و مقاله است و نقدهای بسیاری بر آثار نویسندگان سرشناس جهان نوشته است. اولین رمان او بنام *The Poorhouse Fair* در سال ۱۹۵۹ به چاپ رسید. از جمله رمان‌های وی می‌توان از *Rabbit Run* (۱۹۶۰)، *Rabbit Redux* (۱۹۷۱) و *Rabbit at Rest* (۱۹۹۰) نام برد. با این کتاب نگارش سری کتاب‌های «خرگوش» را به پایان رسانده بود، اما بار دیگر در سال ۲۰۰۰ یک رمان کوتاه ۱۸۲ صفحه‌ای بنام *Rabbit Remembered* نوشت، که در نوامبر همان سال به چاپ رسید. او جوایز بسیاری دریافت کرده است، از جمله: جایزه آهنری (۱۹۶۷-۱۹۶۸)، جایزه پولیتزر برای *Rabbit is Rich* (۱۹۸۱) و *Rabbit at Rest*. مانر و پسر او نیز نویسنده هستند.